

بررسی حادثه ساحل رامسر در گفت‌وگوی «جوان» با علی شادلو، تسهیل‌گر توسعه گردشگری و شناگر حرفه‌ای

# آیا واقعا دریا جان جوان‌های آران ویدنگ را گرفت؟

■ حسن فرامرزی

جان باختن ششش جوان از شهرستان آران و بیدگل در ساحل رامسر، صحنه‌های دردناک تشییع آن‌ها، حضور پررنگ مردم و خودروهای عروسی گل‌آرایی شده‌اند تا نشان دهند، خانواده‌شان چه آرزوهایی برای این جوان‌هایشان در سر داشته‌اند، در این چند روز بازتاب وسیعی در شبکه‌های اجتماعی داشتند. دادستان رامسر پرونده قضایی تشکیل داده است. مسئولان می‌گویند این جوان‌ها در منطقه شنا ممنوع به آب زده‌اند، اما منتقدان می‌گویند تابلویی که در این منطقه و در فیلم‌ها نشان داده می‌شود، به قدری‌تر و تمیز است که نشان می‌دهد به تازگی و بعد از حادثه در محل این فاجعه نصب شده است. حتی اگر تابلو از پیش هم وجود داشته، با این همه نمی‌توان با نصب یک تابلو از مسئولیت‌های چندگانه نهاده‌ها و دستگاه‌های دولتی، به ویژه در حوزه آموزش‌های همگانی، صرف نظر کرد.

بر اساس اعلام رسانه‌ها، رئیس سازمان اورژانس کشور از افزایش ۳۰درصدی آمار غرق‌شدگی در چهار ماه نخست سال جاری خبر داده و گفته است: «از میان کل حادثه‌دیدگان، ۳۶تفر جان خود را از دست داده‌اند و ۲۴تفر نیز پس از مصدومیت تحت درمان قرار گرفته‌اند. میانگین سنی غرق‌شدگان ۲۵سال بوده است. بررسی جغرافیایی محل‌های حادثه نشان می‌دهد، رودخانه‌ها با سهم ۲۹درصدی، خطرناک‌ترین نقاط بوده‌اند. سواحل دریا با ۱۷درصد، استخرهای کشاورزی با ۱۶درصد و استخرهای شنا با ۱۱درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. استان‌های اصفهان با ۶۴هشود، مازندران با ۵۳مورد و فارس با ۴۵مورد، بیشترین فراوانی حوادث را به خود اختصاص داده‌اند. سنتر رودخانه‌های کشور در این مدت با ۱۰۰درصدی در ثبت حوادث غرق‌شدگی مواجه شده است.»

**وقتی از فیزیک دریا چیزی نمی‌دانی**

علی شادلو، تسهیل‌گر توسعه گردشگری و شناگر حرفه‌ای که عرض دریای خزر را شنا کرده است، در گفت‌وگو با «جوان» به نکات مهمی درباره علت وقوع حوادث تلخ مربوط به غرق‌شدن افراد اشاره می‌کند؛ شاید شما ندانید دریای کاسپین بر تلاطم‌ترین دریای جهان است. ممکن است آدم‌ها تصور کنند دریای خزر مثل استخرها با یک شیب یکنواخت و ملایم عمق می‌گیرد، اما این اشتباه به خاطر آن است که افراد معمولاً آگاهی چندانی درباره فیزیک دریا ندارند. به خاطر اینکه دریا با یک موج سینوسی شروع به عمق گرفتن می‌کند. منظور از موج سینوسی این است که مثلاً شما پایتان را در دریا می‌گذارید و جلو می‌روید، می‌بینید اینجا عمق دریا ۲۰سانت است. می‌روید جلوتر و می‌بینید در آن نقطه‌ای که ایستاده‌اید، عمق دریا یک متر است. جلوتر می‌روید و عمق دریا ۴۰سانت می‌شود. جلوتر می‌روید به عمق یک متر می‌رسید و چند ده متر جلوتر ناگهان عمق آب ۲متر می‌شود. باز جلوتر می‌روید به عمق یک متر می‌رسید. بنابراین شما مثلاً فردی را می‌بینید که در ۴۰ متری ساحل شنا می‌کند، در حالی که آب تا کمر اوست. شما می‌گویید: «خب! پس من هم آنجا بروم، آب که عمق ندارد»، اما شما این موضوع را در نظر نمی‌گیرید که برای اینکه به جایی برسید که عمق آب در آنجا یک متر و نیم است، باید از جایی عبور کنید که در آنجا عمق آب ۲متر و بیشتر است.

**جریان‌های شکافته چیست؟**

این فعال گردشگری در ادامه موضوعی را پیش می‌کشد که متأسفانه یکی از مهم‌ترین علل غرق‌شدن در دریاست، به ویژه کسانی که آشنایی زیادی با فنون شنا در دریا ندارند؛ بخش قابل توجهی از افرادی که در شمال غرق می‌شوند، اسیر Rip Current ها یا «جریان‌های شکافته» موجود در آب دریا می‌شوند. جریان‌های شکافته پدیده‌هایی هستند که در دریا شکل می‌گیرند، اما از بیرون آب به سادگی قابل شناسایی نیستند. سامانه شکل‌گیری آنها به این صورت است که وقتی حجم قابل توجهی از آب به عنوان موج به سمت ساحل می‌آید، طبیعتاً این آب باید دوباره به درون آب برگردد. از طرفی در روزهای طوفانی به واسطه باد، حجم قابل توجهی از آب به سمت شرق یا غرب می‌رود. این کشش ممکن است شناگر را به سمت Rip Current یا جریان شکافته ببرد. جریان شکافته یعنی حجمی از آب که مثل رودخانه‌ای در جریان کشش آب شکل می‌گیرد. این جریان بدون دانش فنی قابل شناسایی نیست. عرض این جریان از ۲۰ تا ۴۰ متر هم می‌تواند باشد و اشتباهی که متأسفانه اغلب شناگرهایی که وارد این جریان‌های شکافته می‌شوند انجام می‌دهند، این است که آنها می‌خواهند بر خلاف این جریان و رو به ساحل شنا کنند، در حالی که قدرت این جریان‌ها بسیار بالاتر از توان بدنی شناگر است و در نهایت شناگر را غرق می‌کند. رویکرد منطقی‌تر این است که شما وقتی در چنین جریان‌هایی قرار می‌گیرید، به جای اینکه به سمت ساحل شنا کنید، به سمت عرض دریا - راست یا چپ - شنا کنید تا از آن منطقه بیرون بیایید.

از علی شادلو می‌پرسم چه عملی در غرق‌شدن آدم‌ها در دریا بیش از همه مؤثر است؟

آیا افراد با فیزیک دریا آشنا نیستند یا توانایی خودشان را دست بالا می‌گیرند؟ او می‌گوید: ناآشنایی با ساختار دریا و تصویر نادرست از توانایی خود و البته فقدان آموزش و فرهنگ‌سازی در این باره و سوءمدیریت گردشگری سواحل و دریا دست به دست هم می‌دهد که متأسفانه این اتفاقات تلخ در سواحل ما تکرار می‌شود. مثل سوانح مربوط به رانندگی که یک مقدار به خطای انسانی راننده ربط دارد، یک مقدار به کیفیت خودرو و جاده و یک مقدار بازدارندگی قوانین و آموزش. اینجا هم بخشی به خطای انسانی ربط دارد که فرد با قواعد شنا در دریا آشنا نیست و چون در استخر خوب شنا می‌کند، تصور می‌کند همان شنا را با همان کیفیت در دریا هم می‌تواند تکرار کند. از طرفی فیزیک دریا را نمی‌شناسد. از طرف دیگر ما هنوز سیاست‌های مدون و جامعی در این زمینه نداریم که گردشگری ما در دریا و ساحل به سمت یک گردشگری ایمن و پایدار برود. هر زمان سانحه‌ای در دریا اتفاق می‌افتد، به ویژه اگر تعداد غرق‌شده‌ها زیاد باشند، بکی، دو روز حساسیت‌ها بالا می‌رود و خبرهایی در این زمینه منتشر می‌شود، اما چون سیاست‌های پیشگیری، آموزش و عکس‌العمل به سانحه با ضعیف است، باز دچار روزمرگی می‌شویم. مثلاً چند جوان به طرز غم‌باری در ساحل رامسر جان خود را از دست داده‌اند، در حالی که آنجا هیچ غریق‌نجاتی وجود نداشت. حالا حتی اگر غریق نجات هم می‌داشت، باز باید نگاه می‌کردید به اینکه این غریق‌نجات‌ها چه امکاناتی داشته‌اند، چقدر آموزش دیده‌اند و چقدر بازآموزی شده‌اند. از طرف دیگر همین جوان‌ها چقدر در دوره کودکی و نوجوانی آموزش‌های لازم را از مدرسه، رسانه و خانواده دریافت کرده‌اند؟

**وقتی فقط ظاهر آب را می‌بینی**

علی شادلو در ادامه در توضیح تفاوت‌های میان فیزیک آب‌ها می‌گوید: یک وقت ما آب را کد داریم که همان استخر، بر که یا تالاب است. یک وقت آب جاری مثل رودخانه داریم. طبیعتاً کسی که می‌خواهد در رودخانه شنا کند، باید از جریان و پیچ‌وتاب و فراز و فرودهای آب در رودخانه مطلع باشد. اما می‌هم داریم به نام آب باز یا Open Water که همان دریا می‌شود.

هر کدام از اینس آب‌ها فیزیک متفاوتی دارند. لذا وقتی ما در ساره آب آزاد صحبت می‌کنیم، بسته به اینکه کجای کره زمین واقع شده، بسته به شرایط آب و هوایی و اقلیمی، رفتاری از این آب سر می‌زند که هم تحت‌تأثیر اقلیم و شرایط طولانی‌مدت آن منطقه است و هم تحت‌تأثیر آب و هوای آن روز که مثلاً باد شدید و طوفان در جریان است یا اصلاً بادی وجود ندارد. مثلاً ممکن است جایی از کره زمین رودخانه بسیار بزرگی وارد دریا می‌شود. وضعیت نیروهای موجود در آب در محل تلاقی آن رودخانه و دریا اساساً با جاهای دیگر همان دریا که چنین رودخانه‌ای در آنجا وجود ندارد، متفاوت است. حالا اگر کسی که می‌خواهد به قصد شنا وارد چنین محدوده‌ای از دریا باشد، به این نکات توجه نکند و فقط ظاهر آب را ببیند، گرفتار خواهد شد.

بسیاری از افرادی که تجربه مشابهی از قرار گرفتن در جریان‌های شکافته داشته‌اند، تجربیات خود را در این زمینه در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته‌اند. به عنوان نمونه، سعید رشیدی نوشته است: «۱۷تیر سال ۸۴ با اینکه شناگر ماهری بودم، در دریای طوفانی بالسر گرفتار شدم. دریا انقدر مرا به سمت خودش کشاند که از ساحل دیده نمی‌شدم. تنها کاری که می‌توانستم انجام بدهم، این بود که خودم را روی آب حدود ۱۰ دقیقه به سختی نگه داشتم. بغل دستی من که جوانی حدود ۲۰ساله بود، رفت زیر آب و جلوی چشم من غرق شد. همسر برادرم از ساحل مرا با زوم دوربین هندی کم‌پیدا کرده بود و بعد هم برادرم تن به آب زد، اما او هم مثل من گیر افتاد و داشت غرق می‌شد. خانواده‌مان ضجه می‌زدند و به قایق‌هایی که آنجا بودند التماس می‌کردند که ما را نجات بدهند، اما قایق‌ها می‌گفتند ممکن است غرق شوند تا اینکه بالاخره یکی از قایقران‌ها دلش برای ما سوخت. دل به دریا زد و من و برادرم را نجات داد. من شش ماه شب و روز صحنه غرق‌شدن آن جوان و خودمان جلوی چشمم بود، از آن روز به من و برادرم دیگر در دریا شنا نکردیم.»

محمدرضا نوشته است: «وقتی دارید در دریا شنا می‌کنید و هم‌زمان جریان عرضی شرق به غرب یا غرب به شرق را در دریا می‌بینید، بدانید به منطقه وقوع جریان شکافته خیلی نزدیک شده‌اید. پس سعی کنید قبل از گیر کردن در جریان شکافته از این محدوده فاصله بگیرید. اما اگر در جریان شکافته افتادید، آرامش خودتان را حفظ کنید. اصلاً مقاومت نکنید و انرژی‌تان را الکی از دست ندهید. اگر به شدت بترسید، ضربان قلب‌تان به شدت بالا می‌رود و به خاطر وحشت احتمال دارد سنکوپ کنید. بنابراین بسته به جریان باد در جهت موافق با شرق یا غرب شنا کنید، یعنی موازی با ساحل. این طور می‌توانید از جریان شکافته بیرون بیایید و بعد از خروج، با حوصله به سمت ساحل شنا کنید.»

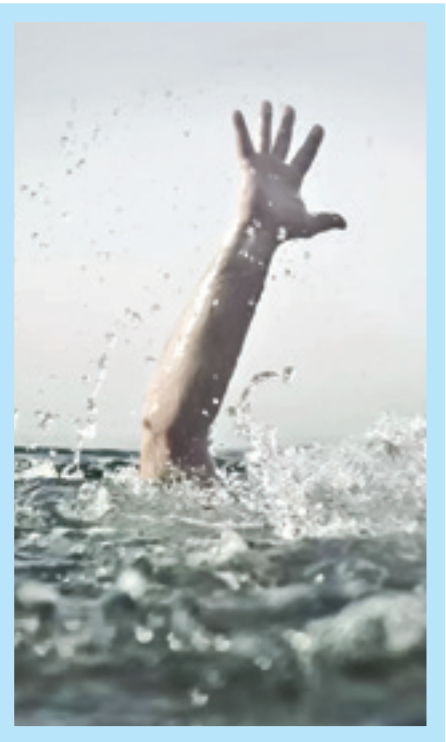
**همه سوانح دریا قابل پیشگیری است، اگر...**

از این کارشناس توسعه گردشگری و شناگر حرفه‌ای دریا می‌پرسم چند درصد از سوانحی که در دریا اتفاق می‌افتد، قابل پیشگیری است. او می‌گوید: اگر با نگاه باز مدیریتی و برنامه‌ریزی هوشمندانه به موضوع نگاه کنیم، اغراق نیست بگوییم صدرصد این سوانح قابل پیشگیری است.

وقتی وارد حوزه مدیریت می‌شویم، ممکن است بگوییم آن قدر سواحل خزر گسترده و وسیع است که اساساً پوشش نزدیک به ۷۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتر ساحلی امکان‌پذیر نیست و در ادامه نتیجه بگیریم که تمام نقاط این سواحل قابل مدیریت نیست. بنابراین به چه سمتی برویم؟

برویم سراغ اینکه مناطقی از این ساحل را به عنوان لکه‌های شنا مدیریت کنیم. هر کسی از این لکه‌ها استفاده کرد و سالم ماند، فی‌الحال؛ هر کسی هم استفاده نکرد، مسئولیتش با خودش است که در طرح‌های سالم‌سازی دریا نرفته و شنا نکرده است. اما نگاه مدیریتی منحصراً به این ماجرا نمی‌شود، چون کسی که دچار خطای فردی می‌شود، برای این است که با دریا و خصایص دریا و نحوه گذران اوقات فراغت در حوزه گردشگری ساحل و دریا باید آموزش می‌دیده که ندیده. حالا چه آموزش‌های عمومی از رسانه و صداوسیما و چه آموزش و پرورش و آموزش همگانی. موضوع این است که آیا این آموزش‌ها در دایره مدیریت نیست؟ اگر آموزش همگانی باعث پیشگیری از حوادث می‌شود، پس چرا با علم به این موضوع، این نوع آموزش‌ها جدی گرفته نمی‌شود؟ البته قسمتی از مدیریت هم پاسخ به حادثه است، اما همه آن نیست. آیا کشوری مثل استرالیا که جزیره‌ای است که دور تادورش دریاست، آیا این کشور آمده گفته مردم در این لکه‌ها فقط شنا کنند و اگر جای دیگری رفتید، مسئولیتش با خودتان؟

از طرف دیگر ما نمی‌توانیم نسبت به پیوسته‌های فرهنگی بی‌اعتنا باشیم. الان در سواحلی که مدیریت شده‌اند و طرح‌های سالم‌سازی دارند، خانواده باید از هم جدا شوند. حالا اگر مردی بخواهد با همسر خود در ساحل شنا کند، نمی‌تواند. چرا ما نسبت به این موضوع بی‌تفاوت هستیم؟ این خانواده دوست دارد کنار هم باشد. می‌گویند: «خیلی خب! اینجا در این طرح نمی‌توانیم، پس ما می‌رویم بیرون شنا می‌کنیم.» و وقتی می‌روند بیرون، آن امنیت و ایمنی وجود ندارد. حالا اصلاً فرض که ما گفتیم طرح‌های سالم‌سازی کافی است، آیا در همین طرح‌های سالم‌سازی امکانات لازم وجود دارد؟ آیا نیروهای امدادی ما به آخرین ابزار آلات مثل انواع جتاسکی‌ها یا قایق‌هایی که برای کار Rescue درست شده‌اند، مجهزند؟ یا مثلاً بپه‌اد داریم؟ نظام دیده‌بانی ما چگونه است؟ اصلاً وضعیت آمادگی غریق‌نجات‌ها می‌چگونه است؟ در استخدام کجا هستند؟ چقدر حقوق می‌گیرند؟ اصلاً توجیه دارد که کسی بدن خودش را آماده و ورزش نگه‌دارد برای سسه ماه کار در تابستان که قرار است جان آدم‌ها را نجات دهد، مهارت‌شنای بالایی داشته باشد، بتواند نمی‌تواند، CPR کند، آن وقت می‌گویید نه ما حقوق درستی می‌دهیم، نه به‌موقع حقوق می‌دهیم، نه نظام بازآموزی داریم و نه فکری به آمادگی جسمانی و تجهیزات‌شان کرده‌ایم. هر جایی هم حضور دارند، کارایی صدهرصدی ندارند. وقتی همه این‌ها را کنار هم بگذاریم، آن وقت می‌توانیم در کاهش آمار سوانح مربوط به دریا قدم‌های مؤثرتری برداریم.



## مدیریت سه‌گانه سوانح در کشورها

علی شادلو در ادامه می‌گوید: از منظر مدیریت سوانح، کشورها به سه دسته تقسیم می‌شوند. کشورهایی که فوکوس یا تمرکز آنها روی موضوع پیشگیری است. یعنی آنها به دنبال این هستند که اساساً اتفاقی نیفتد که قرار باشد کسی آسیب ببیند و همین نگاه را در مدیریت سواحل و آموزش و ده‌ها ایتیم دیگر اعمال می‌کنند. شما وقتی موضوعی را می‌پذیرید، آن وقت می‌توانید واکنش درستی درباره آن داشته باشید.

الان زاین می‌گوید ما در منطقه زلزله‌خیز قرار گرفته‌ایم، بنابراین رویکرد درست این است که ما چه کنیم وقتی زمین‌لرزه اتفاق افتاد، آسیب جدی نبینیم. کشورهایی که فوکوس یا تمرکزشان روی پیشگیری نیست. می‌گویند اتفاق می‌افتد و ما آسیب می‌بینیم. یعنی آنها حتی بودن و گریزناپذیر بودن آسیب و تلفات را پذیرفته‌اند. حالا چه کار کنیم که امداد و نجات خوبی داشته باشیم، یعنی آنها حتی بودن و گریزناپذیر بودن و نجات است. کشورهایی هم داریم که موضوع رابه کل رها کرده‌اند. کشورهایی که نه پیشگیری را انجام می‌دهند و نه پاسد در خوری به حادثه می‌دهند. امیدوار هستند حادثه‌ای پیش نیاید، امیدوارند کسی اتفاقی برایش نیفتد. شما نگاه کنید.

هلال احمر می‌گوید ما شش میلیون نفر امدادگر داریم، این یعنی چه؟ یعنی تمرکز من در پاسخ است. می‌گویند ما این همه آمبولانس و هلی‌کوپتر داریم. حالا اگر به هلال احمر بگویید چقدر از بافت‌های فرسوده شهری که ممکن است در زلزله فرو بریزند، نوسازی شده‌اند، می‌گویید ربطی به من ندارد. به سازمان مدیریت بحران بگویید؛ می‌گوید به من ربطی ندارد. پول نداریم و نمی‌شود. یعنی ما عامل آسیب را رها کرده‌ایم و تمرکزمان بر تعداد آمبولانس، هلی‌کوپتر و امدادگر زیاد است که البته همان‌جای ما نقصان رویه‌ور هستیم.

از طرف دیگر اینکه ما بگوییم آن فرد نباید در آن نقطه شنا می‌کرده، یعنی مرگ او را گرن خودش بیندازیم، این زاویه دید مناسب و منطقی به داستان نیست. واقعیت این است که ما در موضوع مدیریت بحران و حوادث جزء کشورهای پیشرو نیستیم. بنابراین اگر می‌خواهیم در این زمینه تحولی صورت بگیرد، باید ببینیم کشورهایی پیشرو در این زمینه که اتفاقاً پلاخیز هم هستند، مثل ژاپن، چه راهکارهایی را در جهت مدیریت و مهار بحران‌ها انجام داده‌اند. ما باید پریم تک‌تک مراحل مواجهه با حادثه و بحران یعنی مر حله قبل از بحران، مر حله حین بحران و مر حله بعد از بحران را ببینیم و به دقت بررسی کنیم که آنها چه می‌کنند و ما چه کنیم. می‌خواهد زلزله باشد یا غرق‌شدگی و نظایر آن. باید برویم ببینیم در چه وضعی هستیم. البته که آموزش و اطلاع‌رسانی می‌تواند از حجم آسیب‌ها بکاهد.

شاهد این ماجرا آن است که یک ویدئوی عادی در آشنا کردن مخاطب با فیزیک دریا، بعد از چند ساعت بارگذاری، نیم‌میلیون نفر در اینستاگرام ببینده پیدا می‌کند. پس جامعه تشنه این اطلاعات و آگاهی است و این اطلاعات و آگاهی طی سال‌ها می‌توانست با محتوای بهتر و کیفی‌تر به مدت چند دقیقه و فصل در کتاب‌ها، تلویزیون و رسانه‌ها منتشر شود. حداقل در آموزش و پیشگیری از حوادث، کاری ارزانی است. تولید یک ویدئو برای ما هزینه‌ای نداشته، اما نیم‌میلیون نفر دیده‌اند. حالا بین این نیم‌میلیون نفر قرار بوده چند نفر حادثه ببینند، اما با همین آموزش‌ها پیشگیری اتفاق افتاده است. نمی‌دانیم با این حال اگر این نوع آموزش‌های همگانی مستمر باشد و به یک جریان پایدار تبدیل شود، می‌توان امیدوار بود از حجم مصیبت‌هایی که واقعا هضم و تحمل آنها برای خانواده‌ها و جامعه بسیار سخت است، کاسته شود.

